فصل اول:
تحریر الوسیلة؛ کتاب الوکالة

مقدمه وکالت

۱- أی العباره تصح فی عقد الوکاله؟

۱) الأقوی وقوعهما بالمعاطاه و یعتبر فیها الموالاة بین ایجابها و قبولها

۲) لا یبعد تحققها بالکتابة من طرف الموکل

۳) لو قال الوکیل: «أنا وکیلك‌في بیع دارك» مستفهما فقال: «نعم» لا یصح

۴) فی العقد بالکتابه الرضا بما فیها من طرف الوکیل و بشرط وصولها سریعا

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** بعید نیست که وکالت تحقق پیدا کند با نوشتن از طرف موکّل گزینه ۲ نادرست است زیرا: اقوی وقوع ایجاب و قبول با معاطات است و موالات بین ایجاب و قبول آن شرط نیست «لایعتبر» اما در گزینه گفته «یعتبر» گزینه ۳ نادرست است زیرا: اگر وکیل به طور استفهام و پرسشی بگوید: «آیا در فروش خانه‌ات من وکیل تو هستم؟» پس جواب بگوید: «بلی» صحیح است. اما در گزینه گفته «صحیح نیست» گزینه ۴: بعید نیست که وکالت تحقق پیدا کند با نوشتن از طرف موکّل و رضایت به آنچه در آن هست از طرف وکیل اگر چه وصول آن نوشته مدتی به تأخیر بیفتد. اما در گزینه گفته: «وصول سریع» (مقدمه کتاب وکالت)

۲- «الأقوی وقوعها بالمعاطاة ...» کدام عبارت در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) لا مده بین إیجابها و قبولها

۲) بأن قال بع داري قاصدا به التفویض المذکور فیه

۳) بإرجاع تَمشِیة أمر من الأمور إلیه

۴) بأن سلّم إلیه متاعا لیبیعه فتسلّمه لذلك

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** قول قوی تر آن است که وکالت با معاطات واقع می شود. گزینه ۴: به این صورت که کالایی را برای فروش به او بدهد و او به خاطر آن، آن را تحویل بگیرد. ترجمه گزینه ۱: مدتی میان ایجاب و قبول نباشد. گزینه ۲: بگوید: خانه ام را بفروش به قصد واگذاری مربوط گزینه ۳: به راه انداختن کاری از کارها (مقدمه کتاب وکالت)

۳- «.....تفویض الامر الی الغیر لیعمَل له حال حیاته أو إرجاع تَمشِیةِ أمر من الأمور إلیه له حالها» أی العباره تصح؟

۱) وصایه ۲) وصیه ۳) وکاله ۴) وصیه إلیه

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** «وکالت» سپردن کاری به دیگری است تا آن را در حال حیاتش، برایش انجام دهد؛ یا راه انداختن امری از امور را برای او در حال حیاتش، به او ارجاع دهد. (مقدمه کتاب وکالت)

۴- «وکاله تفویض الامر الی الغیر لیعمَل له حال حیاته أو إرجاع تَمشِیةِ أمر من الأمور إلیه له حالها» با قید «حال حیاته» چه چیزی از تعریف خارج می شود؟

۱) وصیت عهدی ۲) وکالت ۳) ودیعه ۴) عاریه

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** ترجمه: «وکالت» سپردن کاری به دیگری است تا آن را در حال حیاتش، برایش انجام دهد؛ یا راه انداختن امری از امور را برای او در حال حیاتش، به او ارجاع دهد. (مقدمه کتاب وکالت) چون وصیت عهدی یا همان «وصایت» سپردن انجام کاری پس از مرگ است.

۵- أی العباره تصح فی إیجاب عقد الوکاله؟

۱) أنت وکیلي في کذا ۲) فوضته إلیكأو وکلتك

۳) بع داري قاصدا به التفویض الأمر إلیه ۴) کل الأجوبه صحیح

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** کدام عبارت درست است؟ گزینه ۱) «تو وکیل منی در این ...» گزینه ۲) «به تو واگذار کردم فروش آن را» یا «تو را وکیل نمودم» گزینه ۳) «خانه‌ام را بفروش» در حالی که قصدش این باشد که به او امر فروش خانه سپرده شود. گزینه ۴: همه پاسخ ها درست هستند. (مقدمه کتاب وکالت)

۶- آیا وکالت به صورت معاطات محقق محقق می شود؟ (مرکز وکلا)

۱) وکالت معاطاتی نافذ نیست. ۲) اقوی صحت وکالت معاطاتی است.

۳) وکالت معاطاتی واقع نمی شود. ۴) احتیاط در ترک چنین وکالتی است.

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** قول قوی تر آن است که وکالت با معاطات واقع می شود. بـه ایـن صـورت که کالایی را برای فروش به او بدهد و او به خاطر آن، آن را تحویل بگیرد. (مقدمه کتاب وکالت)

۷- «لا یبعد تحققها .....من طرف الموکل و الرضا بما فیها من طرف الوکیل و إن تأخر وصولها إلیه مدة، .....فیها الموالاة بین إیجابها و قبولها»

۱) باللفظ –فلا یعتبر ۲) بالکتابة –فلا یعتبر

۳) بالکتابة –یعتبر ۴) باللفظ –فلا یعتبر

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: بلکه بعید نیست که وکالت تحقق پیـدا کنـد بـا نوشـتن از طـرف موکّل و رضایت به آنچه در آن هست از طرف وکیل اگر چه وصول آن نوشته مدتی به تأخیر بیفتـد؛ پـس موالات بین ایجاب و قبول آن معتبر نیست. (مقدمه کتاب وکالت)

۸- «یتسع الأمر فیها بما لا یتسع في غیرها، حتی أنه لو قال الوکیل: «أنا وکیلك في بیع دارك» مستفهما فقال: «نعم»:

۱) لاینفذ و إن لم نکتف بمثله في سائر العقود.

۲) صح و تَمَّ و إن لم نکتف بمثله في سائر العقود.

۳) یبطل العقد

۴) لایکفی فی وقوع العقد

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: خلاصه، امر در وکالت توسعه دارد بـه حـدّی کـه در غیـر وکالـت نیست، حتی اینکه اگر وکیل به طور استفهام و پرسشـی بگویـد: «آیـا در فـروش خانـه‌ات مـن وکیـل تـو هستم؟» پس جواب بگوید: «بلی» صحیح است اگر چه مثل آن را در سایر عقـود کـافی نـدانیم. گزینـه ۱: نافذ نیست اگر چه در عقود دیگر کافی ندانیم. گزینه ۳: عقد باطل است. گزینه ۴: کـافی نیسـت در وقـوع عقد. (مقدمه کتاب وکالت)

۹- و هي عقد يحتاج إلى إيجاب .....على هذا المقصود، كقوله وكلتك أو أنت وكيلي في كذا أو فوضته إليك و نحوها، بل الظاهر كفاية قوله: بع داري قاصدا به التفويض المذكور فيه، و قبول .....على الرضا به، بل الظاهر أنه يكفي فيه فعلُ ما وُكِلَ فيه بعد الإيجاب

۱) باللفظ –باللفظ ۲) بالكتابه –بالكتابه

۳) بالاشاره –بالاشاره ۴) بكل ما دل –بكل ما دل

✔ **«۴» گزینه ۴ درست است.** ترجمه: وکالت عقدی است که به ایجاب احتیاج دارد به هر لفظی که دلالت بر این مقصود نماید مانند قول او «وکالت دادم به تو» یا «تو وکیل منی در این ...» یا «به تو واگذار کردم فروش آن را» و مانند اینها. بلکه ظاهر آن است سخن او: «خانه‌ام را بفروش» در حالی که قصدش این باشد که به او امر فروش خانه سپرده شود برای ایجاب عقد کفایت کند و به قبول احتیاج دارد با هر چیزی که دلالت بر رضایت به آن بنماید، بلکه ظاهر آن است که انجام دادن آنچه که به او وکالت داده شده، بعد از ایجاب، برای قبول، کفایت می‌کند. (مقدمه کتاب وکالت)

مسئله ۱ کتاب وکالت

۱۰- يشترط في الوكاله على الأحوَط التنجيز بمعنى:

۱) تعليق أصل الوكاله على شيء ۲) عدم تعليق أصل الوكالة على شيء

۳) تعليق متعلق وكاله على وصف ۴) عدم تعليق متعلق الوكاله على شيء

✔ **«۲» گزینه ۲ درست است.** ترجمه: احتیاطا در وکالت تنجیز شرط است یعنی گزینه۲: معلق نکردن اصل وکالت بر چیزی. گزینه ۱: معلق شدن اصل وکالت بر چیزی گزینه ۳: معلق شدن متعلق وکالت بر وصف. گزینه ۴: معلق نشدن مورد وکالت بر چیزی (مسئله ۱ کتاب وکالت)

۱۱- «يشترط فيها على الأحوط التنجيز بمعنى عدم تعليق أصل الوكالة على شيء» با توجه به این عبارت کدام گزینه درست است؟

۱) إذا قدم زيد، وكلتك في كذا ۲) إذا أهَلَ هلال الشهر، وكلتك في كذا

۳) أنت وكيلي في أن تبيعَ داري إذا قدم زيد ۴) إذا طلع الشمس، وكلتك في كذا

✔ **«۳» گزینه ۳ درست است.** زیرا طبق متن بیان شده، در عقد وکالت شرط است که صیغه عقد و وقوع عقد، منجز باشد و مشروط به شرط یا وصفی نباشد، اما در گزینه ۱ و ۲ و ۴ عقد وکالت معلق شده

است، در گزینه ۱ «وقتی زید آمد تو وکیل من در فلان چیز هستی» خود عقد معلق به شرط شده است. در گزینه ۲ «هرگاه هلال ماه دیده شد، تو وکیل من هستی» در گزینه ۴ «هرگاه خورشید طلوع کرد، تو وکیل من هستی» در گزینه ۲ و ۴ وکالت معلق به وصف شده است اما در گزینه ۳ متعلق و مورد وکالت، معلق شده است زیرا موکل می گوید: «تو وکیل منی در اینکه خانه ام را وقتی زید آمد، بفروشی» (همان)

۱۲- با توجه به عبارت «و یصح تعلیق التصرف مع .....الوکالة» کدام گزینه صحیح است؟ مرکز وکلا

۱) بأن یقول: وکلتک فی کذا و لا تتصرف الّا بعد شهر.
۲) بأن یقول: وکلتک فی کذا، ان جاء زیدٌ.
۳) بأن یقول: وکلتک فی کذا، بِقُدوم المسافر.
۴) بأن یقول: وکلتکَ فی کذا، بطلوع الشمس.

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** ترجمه: تعلیق تصرف در وکالت درست است. گزینه ۱: به اینکه بگوید: تو را در فلان چیز وکیل نمودم و انجام نده مگر بعد از یک ماه (تصرف یعنی مورد وکالت معلق شده است که پس از یک ماه انجام دهد.) گزینه ۲: به اینکه بگوید: تو را در فلان چیز وکیل نمودم اگر زید بیاید. گزینه ۳: به اینکه بگوید: تو را در فلان چیز وکیل نمودم در زمان آمدن مسافر. گزینه ۴: تو را وکیل خودم نمودم به هنگام طلوع خورشید. در این سه گزینه نفس وکالت معلق شده است. (همان)

۱۳- «.....فیها علی الأحوَط التنجیز .....بتعلیق متعلقها» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) لایشترط – یشترط ۲) یشترط – یشترط
۳) لایشترط – یشکل ۴) یشترط – لابأس

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: احتیاطا در وکالت تنجیز شرط است ولی معلق کردن متعلق وکالت اشکالی ندارد. (مسئله ۱ کتاب وکالت)

۱۴-«وکلتُك في شِراءِ کذا في وقت کذا» این عبارت مصداق کدام است؟

۱) وکالت منجز و متعلق آن معلق است. ۲) وکالت معلق و متعلق آن معلق است.
۳) وکالت منجز و متعلق آن منجز است. ۴) وکالت معلق و متعلق آن هم معلق است.

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** «وکالت دادم به تو در خریدن فلان چیز در فلان موقع» چون خود وکالت منجز است و به چیزی معلق نشده اما متعلق آن یعنی «خرید چیزی» معلق به زمان دیگری شده است که صحیح است چون اصل وکالت تنجیز دارد و متعلق آن، معلق است. (همان)

۱۵- «یشترط فیها علی الأحوط التنجیز بمعنی عدم تعلیق أصل الوکالة علی شيء» با توجه به این عبارت کدام یک از صیغه های زیر در وقوع عقد وکالت درست است؟

۱) اگر در بورس سود کردم تو وکیل من در فروش خانه ام هستی.
۲) اگر فردا هوا روشن شد تو وکیل من در خرید یک خودرو هستی.
۳) تو وکیل من در فروش زمینهایم هستی که پایان ماه بفروشی.
۴) اگر پدرم اجازه دهد تو وکیل من در امور شرکتم هستی.

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** زیرا طبق متن بیان شده، در عقد وکالت شرط است که صیغه عقد و وقوع عقد، منجز باشد و مشروط به شرط یا وصفی نباشد، اما در گزینه ۱ و ۲ و ۴ عقد وکالت معلق شده است، یعنی خود وقوع عقد به سود کردن در بورس، روشن شدن هوا و اجازه پدر، معلق شده است؛ اما در گزینه ۳ متعلق و مورد وکالت، معلق شده است یعنی وکالت صورت گرفته و شخص، وکیل در فروش زمینها است ولی خود فروش به پایان ماه، معلق شده است. (همان)

مسئله ۲ کتاب وکالت

۱۶- «.....في کُل من الموکل و الوکیل البلوغ و العقل و القصد و الاختیار و .....البلوغ في الوکیل في مجرد إجراء العقد علی الأقرب» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) لایشترط –یشترط
۲) لایشترط –لایشترط
۳) یشترط –یشترط
۴) یشترط –لایشترط

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: در هر یک از موکل و وکیل، بلوغ و عقل و قصد و اختیار شرط است، و در اجرای عقد، بلوغ در وکیل بنابر اقرب شرط نیست. (مسئله ۲ کتاب وکالت)

۱۷- « .....التوکیل و لا التوکُل من الصبي و المجنون و المکره، نعم لا یشترط البلوغ في الوکیل في مجرد إجراء العقد علی الأقرب ..... توکیله فیه إذا کان ممیزا مراعیا للشرائط» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) لایصح –لایصح
۲) لایصح –یصح
۳) یصح –یصح
۴) یصح –لایصح

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: وکیل گرفتن و وکیل شدن بچه و دیوانه و مکرَه (مجبور) صحیح نیست البته فقط در اجرای عقد، بلوغ در وکیل بنابر اقرب شرط نیست، پس وکیل نمودن بچه در اجرای عقد، صحیح است در صورتی که ممیّز بوده و شرایط را مراعات کند. (مسئله ۲ کتاب وکالت)

۱۸- «یشترط في کُل من الموکل و الوکیل البلوغ و العقل و القصد و الاختیار و یشترط في الموکل کونه جائز التصرف فیما وکل فیه» با توجه به این عبارت وکالت در کدام گزینه صحیح است؟

۱) سفیه برای طلاق زوجه اش وکیل بگیرد.
۲) صغیر ممیز وکیل بگیرد.
۳) مفلس در اجرای عقد بیع املاکش وکیل بگیرد.
۴) سفیه برای خرید یک خانه وکیل بگیرد.

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** طبق این عبارت: «درموکل و وکیل شرط است که بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشند و در کار مورد وکالت، تصرف موکل جایز باشد و منع نداشته باشد» در نتیجه سفیه و ورشکسته که نسبت به تصرفات مالی محجور هستند نمی توانند وکیل بگیرند و صغیر و مجنون و مکره نیز حق وکالت ندارند، اما صغیر ممیز فقط در اجرای صیغه عقد می تواند وکیل باشد. گزینه ۳ و ۴ مربوط به امور مالی است که محجور حق وکیل گرفتن ندارد، زیرا در این امور جایز التصرف نیست و گزینه ۲ هم صغیر ممیز حق وکیل گرفتن ندارد مگر در اموری که انجامش برای او جایز است مانند وکیل گرفتن برای وصیت در امر معروف توسط کودک ده ساله. (مسئله ۲ کتاب وکالت)

۱۹- أی العباره لا تصح فی شرائط الوکیل و الموکل:

۱) یشترط في الموکل کونه جائز التصرف فیما و کل فیه
۲) یشترط فی الوکیل کونه متمکنا عقلا و شرعا من مباشرة ما توکل فیه
۳) یشترط فی الموکل أن یکون إیقاعه جائزا له و لو بالتسبیب
۴) یشترط في الوکیل کونه جائز التصرف فیما و کل فیه

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: کدام عبارت درباره شرایط وکیل و موکل درست نیست؟ گزینه ۱: در موکّل شرط است که در آنچه وکالت می‌دهد، تصرفش در آن جایز باشد. گزینه ۲: در وکیل شرط است که تمکُن عقلی و شرعی داشته باشد که خودش در آنچه که وکالت پیدا کرده انجام دهد گزینه ۳: در موکل شرط است که واقع ساختن مورد وکالت برایش و لو به تسبیب جایز باشد. گزینه ۴: در وکیل شرط است که در آنچه وکالت می دهد، جایز التصرف باشد. (اما در موکل شرط است نه در وکیل چون

ممکن است وکیل ورشکسته باشد و جایز التصرف نباشد اما موکل ورشکسته نباشد.) (مسئله ۲ کتاب وکالت)

۲۰- کدام گزینه صحیح است؟ (مرکز وکلا)

۱) سفیه می‌تواند در امور مالی و غیر مالی خود، دیگری را وکیل خود سازد.

۲) سفیه فقط در امور غیر مالی خود، می تواند دیگری را وکیل خود سازد.

۳) اگر فردی به فروش اتومبیل خود اکراه شد، به دلیل فقدان اختیار نمی تواند فروش خودرو مزبور را به دیگری وکالت بدهد.

۴) سفیه نمی‌تواند در امور مالی و غیر مالی دیگران وکالت نماید.

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** سفیه در امور مالی حق تصرف ندارد و سفیه در امور غیرمالی دیگران حق وکالت ندارد. گزینه ۳ نادرست است زیرا بر فروش اتومبیل اکراه شده، اما اصل وکالت ارادی است و اکراه نشده پس وکالت درست است. (مسئله ۲ کتاب وکالت)

۲۱- آیا قدرت وکیل بر انجام کار مورد وکالت شرط است؟ (مرکز وکلا)

۱) قدرت وکیل بر انجام آن شرط است.

۲) اگر وقوع آن شرعاً ممکن باشد، قدرت شرط نیست.

۳) قدرت بالفعل بر انجام مورد وکالت شرط است.

۴) قدرت شرط صحت است.

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** (مسئله ۲ کتاب وکالت)

۲۲- آیا انتخاب مفلس به عنوان وکیل صحیح است؟ (مرکز وکلا)

۱) در امور غیر مالی صحیح نیست. ۲) باطل است.

۳) صحیح است. ۴) وکالت وی در انعقاد عقود صحیح نیست.

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** سفیه در امور مالی ممنوع التصرف است اما در امور غیرمالی حق تصرف دارد و در نتیجه در این باره می تواند وکیل بشود و وکیل بگیرد. (مسئله ۲ کتاب وکالت)

۲۳- أی العباره لاتصح؟

۱) لا یصح من المحرم التوکیل في عقد النکاح
۲) لایصح من المحرم التوکیل فی ابتیاع الصید
۳)لا تصح وکالة المحرم فی ابتیاع الصید و إمساکه
۴) تصح وکالة المحرم فی إیقاع عقد النکاح

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: کدام گزینه درست نیست؟ گزینه ۱: وکیل گرفتن کسی که در احرام حج است، در عقد نکاح درست نیست. گزینه ۲: وکیل گرفتن کسی که در احرام حج است درخریدن شکار صحیح نیست. چون موکل باید جایز التصرف باشد اما محرم حق عقد نکاح و شکار ندارد پس نمی تواند در این باره وکیل بگیرد. گزینه ۳: وکیل شدن کسی که در احرام حج است در خرید شکار و نگاهداری آن صحیح نیست. چون وکیل باید عقلا و شرعا بتواند مورد وکالت را انجام دهد اما محرم نمی تواند، شکار کند پس حق وکیل شدن در این باره را ندارد. گزینه ۴: وکیل شدن کسی که در احرام حج است در واقع ساختن عقد نکاح درست است. (اما درست نیست. چون محرم حق عقد نکاح ندارد، پس نمی تواند در این باره وکیل شود.) (مسئله ۲ کتاب وکالت)

۲۴- کدام مورد در وکالت، صحیح است؟ (وکالت ۱۴۰۲)

۱) لا تصحّ وکاله المحجور علیه لِسَفَهٍ او فلسٍ عن غیرهما
۲) لایشترط البلوغ فی الوکیل فی مجرد اجراء العقد
۳) یصحّ التوکّل من الصبی و لایصحّ التوکیل منه
۴) یصحّ التوکیل و التوکّل من الصبی

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: گزینه ۱: وکالت کسی که به خاطر سفاهت یا ورشکستگی، محجور است، از سوی غیر آن دو صحیح نیست اما صحیح است. گزینه ۲: بلوغ در وکیل فقط برای اجرای عقد، شرط نیست. گزینه ۳: قبول وکالت از سوی کودک صحیح است و وکیل کردن او صحیح نیست (اما توکیل و توکل از جانب کودک صحیح نیست) گزینه ۴: وکیل گرفتن و وکیل شدن از سوی کودک صحیح است (اما هر دو صحیح نیست) (مسئله ۲ فصل وکالت)

مسئله ۳ کتاب وکالت

۲۵- «وکاله مرتد عن الفطره»:

۱) یبطل ۲) یصح ۳) لاینفذ ۴) لایصح

«۲» گزینه ۲ درست است. زیرا ترجمه عبارت: «وکالت مرتد فطری درست است» در وکالت اسلام شرط نیست. (مسئله ۳ وکالت)

۲۶- «.....في الوكيل الإسلام .....وكالة الكافر» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) لایشترط –فتصح ۲) لایشترط –لاتصح

۳) یشترط –تصح ۴) یشترط –لاتصح

«۱» گزینه ۱ درست است. ترجمه: شرط نیست که وکیل مسلمان باشد، پس وکیل شدن کافر درست است. (مسئله ۳ وکالت)

۲۷- تصح:

۱) وكاله الكافر لابتياع المصحف لكافر ۲) وكاله الكافر لاستيفاء حق من المسلم

۳) وكاله الكافر لمخاصمة مع المسلم لمسلم ۴) وكاله الكافر لمخاصمه مع الكافر

«۴» گزینه ۴ درست است. ترجمه: صحیح است گزینه ۴: وکالت کافر برای دعوا علیه کافر گزینه ۱: وکالت کافر برای خرید کتاب قرآن برای کافر (صحیح نیست چون خرید قرآن برای کافر ممنوع است.) گزینه ۲: وکالت کافر برای گرفتن حقی از مسلمان (صحیح نیست) گزینه ۳: وکالت کافر برای دعوا با یک مسلمان برای یک مسلمان. (صحیح نیست) چون در گزینه ۲ و ۳ مستلزم تسلط کافر بر مسلمان است که خلاف قاعده نفی سبیل است. (مسئله ۳ وکالت)

۲۸- تصح وكالة الكافر عن المسلم و الكافر:

۱) مطلقا

۲) فی امور المالی

۳) فی كل الأمور إلا فيما لا يصح وقوعه من الكافر

۴) فيما لايصح وقوعه من الكافر

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** ترجمه: وکیل شدن کافر از طرف مسلمان و کافر صحیح است. گزینه ۳: در همه امور مگر در موردی که وقوع آن از سوی کافر صحیح نیست. گزینه ۱: مطلقا گزینه ۲: در همه امور مالی گزینه ۴: در آنچه وقوع آن از سوی کافر درست نیست. (مسئله ۳ وکالت)

۲۹- کدام گزینه غلط است؟ (مرکز وکلا)

۱) توکیل در فروش مال غیر، باطل است.

۲) توکیل در قبض و اقباض، صحیح است.

۳) توکیل کافر صحیح است.

۴) توکیل در فروش مال غیر، به منزله فضولی است.

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** چون توکیل در فروش مال غیر به منزله فضولی است. (مسئله ۳ وکالت)

۳۰- کدام مورد در خصوص وکالت، صحیح است؟ (وکالت قوه قضائیه ۴۰۲)

۱) لا تصحّ التوکیل فی القبض.
۲) لایجوز التوکیل فی الطلاق.
۳) لا تصحّ وکاله المفلس.
۴) لایشترط فی الوکیل الاسلام.

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** چون ترجمه گزینه ۱: وکالت دادن در قبض صحیح نیست. (اما صحیح است) گزینه ۲: وکالت دادن در طلاق جایز نیست. (اما جایز است.) گزینه ۳: وکالت ورشکسته صحیح نیست. (اما صحیح است که ورشکسته وکیل شود.) گزینه ۴: در وکیل اسلام شرط نیست. (مسئله ۳ وکالت)

۳۱- «لاتصح الوکاله التی لایصح وقوعه من الکافر کابتیاع المصحف لکافر و کاستیفاء حق من المسلم أو مخاصمة معه و إن کان ذلك لمسلم» ممنوعیت این دو مورد بر مبنای چیست؟

۱) قاعده لاضرر –قاعده اضطرار

۲) احترام مال مسلمان –قاعده لاضرر

۳) حرمت فروش قرآن به کافر –قاعده نفی سبیل

۴) قاعده اضطرار –قاعده نفی سبیل

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** ترجمه: وکالت صحیح نیست در موردی که وقوع آن از سوی کافر صحیح نیست، مانند خریدن مصحف (قرآن کریم) برای کافر و مانند استیفای حقی از مسلمان یا مخاصمه‌ای با او اگر چه برای مسلمان باشد. (مسئله ۳ وکالت)

مسئله ۴ کتاب وکالت

۳۲- کدام گزینه صحیح است؟ مرکز وکلا

۱) یصح توکیل المحجور علیه لسفه أو فلس فیما حجر علیهما فیه.

۲) لا تصح وکالة المحجور علیه لسفه أو فلس عن غیرهما ممن لا حجر علیه.

۳) لا یصح توکیل المحجور علیه لسفه أو فلس فیما حجر علیهما فیه

۴) لا یصح توکیل المحجور علیه لسفه أو فلس فیما لا حجر علیهما فیه

✔«۳» **گزینه ۳ درست است.** ترجمه گزینه ۱: وکیل گرفتن محجور به خاطر سفاهت یا ورشکستگی در آنچه محجور شده، درست است. (اما درست نیست) گزینه ۲: وکالت محجور علیه به خاطر ورشکستگی یا سفاهت از سوی غیر محجور از کسی که محجور نیست، درست نیست. (اما درست است.) گزینه ۳: وکالت دادن محجور به خاطر سفاهت و ورشکستگی در آنچه محجور است، درست نیست. گزینه ۴: وکالت دادن محجور به خاطر سفاهت یا ورشکستگی در آنچه محجور نشده، درست نیست. (اما درست است.)

۳۳- تصح وکالة المحجور علیه لسَفَه أو فَلس:

۱) عن غیرهما ۲) عن غیرهما ممن حَجرَ علیه.

۳) عن غیرهما ممن لا حَجرَ علیه ۴) عن المحجور علیه لسفه

✔«۳» **گزینه ۳ درست است.** ترجمه: وکیل شدن کسی که جهت سفاهت یا بی‌پولی، محجور شده، صحیح است، گزینه ۳: از طرف کسی که حجری بر او نیست. گزینه ۱: از غیر ورشکسته و سفیه گزینه ۲: از غیر آن دو از کسانی که محجور هستند. گزینه ۴: از محجور علیه که به خاطر سفاهت محجور است. (مسئله ۴ کتاب وکالت)

۳۴- «تصح وکالة المحجور علیه لسَفَه أو فَلس عن غیرهما ممن لا حَجرَ علیه» طبق این عبارت کدام گزینه درست است؟

۱) وکیل ورشکسته و موکل ورشکسته باشد. ۲) وکیل ورشکسته و موکل غیرمحجور باشد.

۳) وکیل سفیه و موکل ورشکسته باشد. ۴) وکیل غیرمحجور و موکل محجور باشد.

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: وکیل شدن کسی که جهت سفاهت یا بی‌پولی، محجـور شـده ، از طرف کسی که حجری بر او نیست صحیح است.

۳۵- « .....وکالة المحجور علیه لسَفَه أو فَلس عن غیرهما.....» طبق ایـن عبـارت کـدام گزینـه درسـت است؟

۱) تصح –ممن حَجرَ علیه
۲) تصح –ممن لا حَجرَ علیه
۳) لاتصح –ممن لا حَجرَ علیه
۴) تقبل –ممن حَجرَ علیه

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: وکیل شدن کسی که جهت سفاهت یا بی‌پولی، محجـور شـده ، از طرف کسی که حجری بر او نیست صحیح است.

مسئله ۵، کتاب وکالت

۳۶- «لو جوزنا للصبي بعض التصرفات في ماله کالوصیة بالمعروف لِمَن بلغ عشر سنین جاز له التوکیـل فیمـا جاز له» طبق این عبارت کدام گزینه درست است؟

۱) کودک حق وکیل گرفتن را ندارد مگر با مجوز
۲) کودک در آنچه جایزالتصرف است می تواند وکیل بگیرد.
۳) کودک در بعضی تصرفات مالی با مجوز می تواند وکیل بگیرد.
۴) برای کودک ده ساله وکیل گرفتن جایز است.

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: اگر برای بچه بعضی از تصـرفات را در مـالش جـایز بـدانیم [جـایز است که وکیل بگیرد] مانند وصیت کردن به چیز خوب برای کسی که ده‌ساله است، جایز است صغیر مـی تواند در آن کاری که برایش جایز است، کسی را وکیل نماید. (مسئله ۵، کتاب وکالت)

۳۷- جاز للصبی الذی بلغ عشر سنین:

۱) التوکیل فی إجراء صیغه الوکاله
۲) التوکل بإذن الولی
۳) التوکیل فی الوصیه بالمعروف
۴) التوکل فی العقود

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** ترجمه: برای کودک ده ساله جایز است. گزینه ۳: وصیت به امر نیک و پسندیده گزینه ۱: وکالت دادن در اجرای صیغه عقد گزینه ۲: وکیل شدن با اذن ولی گزینه ۴: وکیل شدن در عقود

۳۸- مطابق متن زیر کدام مورد صحیح است؟ «لو جوزنا للصبي بعض التصرفات في ماله كالوصية بالمعروف لِمَن بلغ عشر سنين جاز له التوكيل فيما جاز له» (وکالت ۱۴۰۰ اسکودا)

۱) کودک می تواند فرد بالای ده سال را در مواردی که اجازه تصرف دارد، وصی قرار دهد.

۲) کودک ده ساله می تواند در مواردی که اجازه تصرف دارد، وکیل تعیین کند.

۳) کودک ده ساله می تواند در مواردی که اجازه تصرف دارد، وکالت کند.

۴) اگر کودک در مواردی که اجازه تصرف دارد، فرد بالای ده سال را وصی خود قرار دهد، وصی می تواند، وکیل تعیین کند.

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: اگر برای بچه بعضی از تصرفات را در مالش جایز بدانیم [جایز است که وکیل بگیرد] مانند وصیت کردن به چیز خوب برای کسی که ده‌ساله است، جایز است صغیر می تواند در آن کاری که برایش جایز است، کسی را وکیل نماید. (مسئله ۵ کتاب وکالت)

مسئله ۶ کتاب وکالت

۳۹- «ما كان شرطا في الموكل و الوكيل ابتداء شرط فيهما استدامة، فلو جُنّا أو أغمِي عليهما أو حجر على الموكل فيما وُكِلَ فيه .....» کدام گزینه در تکمیل این عبارت صحیح است؟

۱) صحت الوکاله ۲) تنفذ الوکاله

۳) بطلت الوکاله ۴) لا تنفذ الوکاله

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** طبق این عبارت: آنچه درباره وکیل و موکل در ابتدای عقد شرط است در ادامه عقد نیز شرط است پس اگر وکیل یا موکل، دیوانه شوند یا بیهوش شوند یا در کار مورد وکالت محجور شوند، وکالت باطل می شود. (مسئله ۶ کتاب وکالت)

۴۰- «ما کان شرطا في الموکل و الوکیل ابتداء شرط فیهما .....» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) بشرط ضمن العقد ۲) استدامه

۳) لو شرطه الموکل ۴) لو قبله الوکیل

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: آنچه که ابتداء در موکل و وکیل شرط است در ادامه عقد هم شرط است. گزینه ۱: به شرط ضمن عقد گزینه ۳: اگر موکل آن را شرط کند. گزینه ۴: اگر وکیل آن را قبول کند.

۴۱- لو جُنّا أو أغمِي علیهما أو حجر علی الموکل فیما وُکِلَ فیه بطلت الوکالة لأنّ:

۱) ما کان شرطا في الموکل شرط فی الوکیل

۲) ما کان شرطا فی الوکیل شرط فی الموکل

۳) ما کان شرطا في الموکل و الوکیل ابتداء شرط فیهما استدامة

۴) ما کان شرطا بنظر الحاکم فی العقود شرط فی الموکل و الوکیل

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** ترجمه: اگر وکیل یا موکل دیوانه یا بیهوش شوند یا موکل در آنچه که وکالت داده محجور شود وکالت باطل می‌شود، زیرا: گزینه ۳: آنچه که ابتداء در موکل و وکیل شرط است در ادامه عقد هم شرط است. گزینه ۱: آنچه در موکل شرط است در وکیل هم شرط است. گزینه ۲: آنچه در وکیل شرط است در موکل هم شرط است. گزینه ۴: آنچه به نظر حاکم شرط است در عقود در موکل و وکیل هم شرط است.

۴۲- لو حَجَر علی الموکل فیما وُکِّلَ فیه .....و لو زالَ المانعُ ..... (مرکز وکلا)

۱) بطلت الوکاله –احتاج عودها إلی توکیل جدید

۲) بطلت الوکاله –عاد الممنوع

۳) بطلت الوکاله علی الاقوی –ما احتاج عودها الی توکیل جدید

۴) بطلت الوکاله علی الاقوی –عاد الممنوع

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** ترجمه: اگر موکل در آنچه که وکالت داده محجور شود وکالت باطل می‌شود و اگر مانع برطرف شود برگشتن عقد وکالت به وکالت دادن مجدد احتیاج دارد. گزینه ۲: وکالت باطل می شود – مورد منع شده، برمی گردد. گزینه ۳: وکالت باطل می شود – احتیاج ندارد، بازگشتش به نوکیل جدید. گزینه ۴: وکالت باطل می شود – و مورد منع شده، باز می گردد.

۴۳- در خصوص موضوع مطرح شده، کدام مورد حکم صحیح را بیان می کند؟ (مرکز وکلا ۹۹)

«وکل علیٌ حسناً فی بیع داره. ثمّ ابتلی علیٌ بفیروس کرونا و أغمی علیه، بعد الافاقه جاء الحسن فقال: صباح الیوم بعتُ الدار»

۱) وکالت باطل شده است.

۲) چون حسین خانه را فروخته است، علی حق فسخ وکالت را ندارد.

۳) علی می تواند وکالت را فسخ کند.

۴) فروش خانه نافذ است.

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** ترجمه: «علی حسن را در فروش خانه اش وکیل نموده است، سپس علی به ویروس کرونا مبتلا می شود و بیهوش می شود، پس از اینکه حال او خوب شد، حسن می آید و می گوید: صبح امروز خانه را فروختم.» چون موکل بیهوش شده، وکالت باطل شده و در نتیجه حسن که پس از بیهوشی علی، مورد وکالت را انجام داده، باطل است.

۴۴- بطلت الوکاله:

۱) لو جُنّ الوکیل أو الموکل ۲) لو أغمي علیهما

۳) لو حجر علی الموکل فیما وُکِلَ فیه ۴) کل الأجوبه صحیح

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: وکالت باطل می شود. گزینه ۱: اگر وکیل یا موکل مجنون شوند. گزینه ۲: اگر وکیل یا موکل، بیهوش شوند. گزینه ۳: اگر موکل در مورد وکالت، محجور شود. گزینه ۴: همه پاسخها درست است.

مسئله ۷ کتاب وکالت

45- «.....فیما وکل فیه أن یکون سائغا في نفسه و أن یکون للموکل سلطنة شرعا علی إیقاعه .....في المعاصي .....القدرة علیه خارجا مع کونه مما یصح وقوعه منه شرعا .....لمن لم یقدر علی أخذ ماله من غاصب أن یوکل فیه من یقدر علیه» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) لایشترط –فلاتوکیل –تعتبر –فیجوز ۲) یشترط –فلا توکیل –لا تعتبر –فیجوز

۳) لایشترط –فیصح –تعتبر –لایجوز ۴) یشترط –فلاتوکیل –لاتعتبر –فلایجوز

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: در آنچه که در آن وکالت داده می‌شود شرط است کـه ذاتـاً جـایز باشد و موکل بر انجام آن شرعا تسلط داشته باشد، پس در معصیت‌ها وکیل گرفتن صحت ندارد، و قـدرت داشتن بر مورد وکالت در خارج- با اینکه وقوع آن از او شرعا صحیح است- معتبر نیست؛ پس بـرای کسـی که توانایی گرفتن مالش را از غاصب ندارد، جایز است که کسی را که بر انجام آن قدرت دارد، وکیل نمایـد. (مسئله ۷ کتاب وکالت)

۴۶- «لا توکیل .....من دون ولایة علیه» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) المعاصی ۲) علی بیع مال الغیر

۳) العبادات البدنیه ۴) الغصب

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** وکالت دادن بدون آنکه ولایتی بـر آن داشـته باشـد، جـایز نیسـت، ماننـد وکالت دادن در: بیع مال غیر (چون چنین حق و ولایتی نـدارد.) گزینـه ۱: گناهـان و گزینـه ۴ بـه دلیـل اینکه جایز نیستند در آنها وکالت جایز نیست و گزینه ۳ یعنی عبادات بدنی نیز قابل توکیل نیسـتند، زیـرا شرط است که انسان آن را شخصاً انجام دهند و قابل واگذاری به غیر نیستند. (مسئله ۷ کتاب وکالت)

۴۷- «لا تعتبر القدرة علي فیما وکل فیه خارجا مع کونه مما یصح وقوعه منه شرعا، فیجوز لمن لم یقدر علی أخذ ماله من غاصب أن یوکل فیه من یقدر علیه» کدام گزینه درباره این عبارت درست است؟

۱) موکل باید قدرت خارجی بر انجام عمل داشته باشد.

۲) موکل می تواند برای دریافت مال غصبی به کسی وکالت دهـد کـه قـدرت انجـام ایـن کـار را داشـته یـا نداشته باشد.

۳) موکل می تواند دریافت مالش را به کسی که توان پس گرفتن مال را دارد، وکالت دهد.

۴) قدرت داشتن بر انجام مورد وکالت شرط است اما جواز شرعی هم باید باشد.

✔ «۳» **گزینه ۳ درست است.** ترجمه: قدرت داشتن بر مورد وکالـت در خـارج- بـا اینکـه وقـوع آن از او شرعا صحیح است- شرط نیست؛ پس برای کسی که توانایی گرفتن مالش را از غاصب نـدارد، جـایز اسـت که کسی را که بر انجام آن قدرت دارد، وکیل نماید. (مسئله ۷ کتاب وکالت)

۴۸- جاز التوکیل فی:

۱) الغصب ۲) السرقه ۳) القمار ۴) الوصایه

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: وکالت جایز است در وصیت عهدی. چون غصب و سرقت و قمار جزء گناهان هستند و در کار مورد وکالت شرط است که جایز باشد. (مسئله ۷ کتاب وکالت)

۴۹- "یُشتَرَطُ فیما وُکِّلَ فیه أن یکونَ سائغا فی نفسه " به چه معنا است؟ (مرکز وکلا)

۱) انجام مورد وکالت فی نفسه مجاز و مشروع باشد.

۲) انجام مورد وکالت مقدور باشد.

۳) انجام مورد وکالت شخصاً انجام شود.

۴) انجام مورد وکالت تنها در صلاحیت وکیل است.

✔ «۱» **گزینه ۱ درست است.** ترجمه: در آنچه که در آن وکالت داده می‌شود شرط است که ذاتاً جایز باشد، زیرا «سائغ» یعنی جایز. (مسئله ۷، کتاب وکالت)

۵۰- « یشترط فیما وکل فیه أن یکون سائغا في نفسه و أن یکون للموکل سلطنة شرعا علی إیقاعه فلا توکیل في المعاصي لا تعتبر القدرة علیه خارجا مع کونه مما یصح وقوعه منه شرعا فیجوز لمن لم یقدر علی أخذ ماله من غاصب أن یوکل فیه من یقدر علیه» طبق این عبارت کدام وکالت درست است؟

۱) پژو علی دزدیده شده و برای پس گرفتن آن وکیل می گیرد.

۲) احمد برای فروش خانه محمد وکیل گرفته است.

۳) محسن چون از غصب متنفر است برای این کار وکیل می گیرد.

۴) سبحان برای طلاق سایدا از همسرش وکیل گرفته است.

گزینه ۱ درست است. زیرا موکل یعنی علی بر انجام این کار توان ندارد و برای آن وکیل گرفته است. گزینه ۲: احمد بر فروش خانه محمد، ولایت ندارد. گزینه ۳: وکالت دادن در گناه مانند غصب جایز نیست. گزینه ۴ نیز مصداق موردی است که موکل بر آن ولایت ندارد پس حق وکیل گرفتن نیز ندارد. (مسئله ۷ کتاب وکالت)

مسئله ۸ کتاب وکالت

۵۱- «أما التوكيل استقلالا في خصوصه من دون التوكيل في المرتب عليه ففيه إشكال، بل الظاهر عدم الصحة من غير فرق بين ما كان المرتب عليه غير قابل للتوكيل ك.....»

۱) في طلاق زوجة سينكحها ۲) تزويج المعتدة المزوجة بعد طلاقها

۳) تزويج المعتدة بعد انقضاء العدة ۴) بيع متاع سيشتريه

✔ **«۳» گزینه ۳ درست است.** ترجمه: و اما به طور استقلال وکیل نمودن او در خصوص امر مترتب بدون آنکه توکیلی در امر متقدم بر آن باشد دارای اشکال است بلکه ظاهرا صحیح نیست چه امر متقدم بر مورد وکالت قابل توکیل نباشد مانند گزینه ۱: در طلاق زوجه ای که در آینده به نکاح او در می آید. (مقدمه، نکاح است و عمل اصلی، طلاق است و مقدمه قابل توکیل است.) گزینه ۲: در ازدواج زنی که شوهر دارد بعد از طلاق او (مقدمه، طلاق است و عمل اصلی، نکاح است، طلاق، مقدمه قابل توکیل است.) کزینه ۳: ازدواج با زنی که در عده است، پس از پایان عده او (مقدمه، انقضای عده است و عمل اصلی، ازدواج است. و مقدمه قابل توکیل نیست.) گزینه ۴: بیع کالایی که در آینده خواهد خرید. (مقدمه، خرید و عمل اصلی مورد وکالت، بیع است و خرید قابل توکیل است.) در همه این چهار مورد وکالت داده شده، درست نیست اما مورد سوم، مقدمه اش قابل وکالت دادن نیست. (مسئله ۸، کتاب وکالت)

۵۲- «.....أن يوكل في تزويج المعتدة بعد انقضاء عدتها و المزوجة بعد طلاقها، و كذا في طلاق زوجة سينكحها أو بيع متاع سيشتريه و نحو ذلك» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟

۱) لا يجوز ۲) يجوز ۳) يصح ۴) يمكن

گزینه ۱ درست است. ترجمه: وکالت دادن به تزویج زن عده‌دار بعد از پایان عده‌اش و تزویج زنی که در ازدواج است بعد از طلاقش، جایز نیست و همچنین وکالت دادن در طلاق زوجه‌ای که در آینده به ازدواجش درمی‌آورد، یا در فروش کالایی که بعدا آن را می‌خرد و مانند اینها جایز نیست. (مسئله ۸، کتاب وکالت)

۵۳- «.....التوكيل فيه تبعا لما تمكن منه، بأن يوكله في إيقاع المرتب عليه ثم إيقاع ما رتب عليه، بأن يوكله مثلا في تزويج امرأة له ثم طلاقها أو شراء مال ثم بيعه و نحو ذلك» كدام گزينه در تكميل اين عبارت درست است؟

۱) لا يجوز ۲) يجوز ۳) لا يصح ۴) لا يمكن

✔ «۲» **گزينه ۲ درست است.** ترجمه: وكالت دادن در آن به تبع آنچه كه متمكن از آن می‌باشد، اشكالی نيست، به اينكه در ايقاع امر متقدم به او وكالت بدهد سپس ايقاع آنچه كه بر آن مترتب است؛ به اينكه به او وكالت بدهد مثلا در تزويج زنی برايش، سپس طلاق آن؛ يا در خريدن مال، سپس در فروش آن و مانند اينها. (مسئله ۸، كتاب وكالت)

۵۴- «لو لم يتمكن شرعا أو عقلا من إيقاع أمر إلا بعد حصول أمر غير حاصل حين التوكيل» طبق اين عبارت كدام مورد مصداق وكالت صحيح نيست؟

۱) التوكيل فيه تبعا لما تمكن منه، بأن يوكله في إيقاع المرتب عليه ثم إيقاع ما رتب عليه

۲) لو وقعت الوكالة على كلي يكون هو من مصاديقه، كما لو وكله على جميع أموره فيكون وكيلا في المتجدد في ملكه بهبة أو إرث بيعا و رهنا و غيرهما

۳) التوكيل استقلالا في خصوصه من دون التوكيل في المرتب عليه

۴) التوكيل فيه تبعا لما تمكن منه، بأن يوكله في إيقاع المرتب عليه و إيقاع ما رتب عليه

✔ «۳» **گزينه ۳ درست است.** ترجمه: اگر شرعا يا عقلا بر واقع ساختن چيزی تمكّن نداشته باشد مگر بعد از پيدا شدن چيزی كه در وقت وكالت دادن حاصل نيست. گزينه ۱: در جواز وكالت دادن در آن به تبع آنچه كه متمكن از آن می‌باشد، (اشكالی نيست) به اينكه در ايقاع امر متقدم به او وكالت بدهد سپس ايقاع آنچه كه بر آن مترتب است. گزينه ۲: اگر وكالت كلی به او بدهد كه اين يكی از مصاديق او باشد، (ظاهرا جايز است) همانطوری كه در همه كارها به او وكالت بدهد پس در ملک جديد او هم كه به هبه يا ارث پيدا شده از نظر فروش و رهن و غير اينها وكيل می‌باشد. گزينه ۳: به طور استقلال وكيل نمودن او در خصوص امر مترتب بدون آنكه توكيلی در امر متقدم بر آن باشد. (صحيح نيست) گزينه ۴: در جواز وكالت دادن در آن به تبع آنچه كه متمكن از آن می‌باشد، (اشكالی نيست) به اينكه در ايقاع امر متقدم به او وكالت بدهد و ايقاع آنچه كه بر آن مترتب است. (مسئله ۸، كتاب وكالت)

۵۵- یجوز:

۱) أن یوکل في تزویج المعتدة بعد انقضاء عدتها

۲) أن یوکل في تزویج المزوجة بعد طلاقها

۳)أن یوکل في طلاق زوجة سینکحها أو بیع متاع سیشتریه

۴) أن یوکل فی شراء مال ثم بیعه

✔ «۴» **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: جایز است. گزینه ۱: وکالت دادن به تزویج زن عده‌دار بعد از پایان عده‌اش (مقدمه عمل یعنی پایان عده قابل توکیل نیست) گزینه ۲: وکالت دادن در تزویج زنی که در ازدواج است بعد از طلاقش (طلاق که مقدمه عمل است، قابل توکیل است) گزینه ۳: وکالت دادن در طلاق زوجه‌ای که در آینده به ازدواجش درمی‌آورد، یا در فروش کالایی که بعدا آن را می‌خرد. چون در این سه گزینه شخص را بدون اینکه وکالت در مقدمه عمل داشته باشد به صورت استقلالی وکیل در انجام کار نموده است و همیچ یک جایز نیست. گزینه ۴: وکالت دادن در خرید مالی و سپس فروش آن. (مسئله ۸، کتاب وکالت)

۵۶- «لو لم یتمکن شرعا أو عقلا من إیقاع أمر إلا بعد حصول أمر غیر حاصل حین التوکیل» با توجه به این عبارت کدام شیوه وکالت درست است؟

۱) وکالت در طلاق زنی که در حباله نکاح او نیست.

۲) وکالت در تزویج زنی و سپس طلاق دادن او

۳) وکالت در بیع خانه ای که قرار است بخرد.

۴) وکالت در تزویج زنی که پس از عده او را عقد کند.

✔ «۲» **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: «اگر شرعا یا عقلا بر واقع ساختن چیزی تمکّن نداشته باشد مگر بعد از پیدا شدن چیزی که در وقت وکالت دادن حاصل نیست.» یعنی وکالت در کاری که انجامش مقدمه ای دارد در حالی که مقدمه اش فراهم نیست، صحیح نیست مگر اینکه ابتدا وکالت در مقدمه و سپس در خود عمل بدهد یعنی گزینه ۲ یا به طور کلی وکالت در همه امور بدهد. اما در سایر موارد مانند گزینه ۱ و ۳ و ۴ صحیح نیست. (مسئله ۸ وکالت)

مسئله ۹ کتاب وکالت

۵۷- «یشترط في الموکل فیه أن یکون قابلا للتفویض إلی الغیر» طبق این عبارت در کدام گزینه مسئله قابل توکیل نیست؟

۱) وکالت دادن برای اخراج زکات از مال

۲) وکالت دادن برای پرداخت کفاره روزه

۳) وکالت دادن برای انجام کاری که شخص در آن اجیر خاص شده است.

۴) وکالت دادن برای انجام کاری که شخص در آن اجیر عام شده است.

✔«۳» **گزینه ۳ درست است.** ترجمه: شرط است که مورد وکالت قابل واگذاری به دیگری باشد؛ به اینکه مباشرت خود موکل در آن شرط نباشد. گزینه ۱ و ۲ عبادت مالی است و قابل واگذاری به غیر است. گزینه ۳ اجیر خاص کسی است که پذیرفته کاری را خودش مباشرتاً و مستقیماً انجام دهند، مانند کسی که پذیرفته لباسی را شخصاً بدوزد، نمی تواند به دیگری وکالت دهد. گزینه ۴ اجیر عام که فقط پذیرفته کاری را انجام دهد اما نه به شرط مباشرت، مانند کسی که پذیرفته لباس را بدوزد اما نگفته شخصاً انجام دهد. (مسئله ۹ وکالت)

۵۸- أی العباره لاتصح؟

۱) تصح الوکالة في العبادات المالیة

۲) لاتصح الوکالة في العبادات البدنیه

۳) یشترط في الموکل فیه أن یکون قابلا للتفویض إلی الغیر

۴) لو تقبل عملا بقید المباشرة یصح التوکیل فیه

✔«۴» **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: کدام عبارت درست نیست؟ گزینه ۱: وکالت در عبادات مالی درست است. گزینه ۲: وکالت در عبادات بدنی درست نیست. گزینه ۳: در کار مورد وکالت شرط است که قابل واگذاری به دیگری باشد. گزینه ۴: اگر بپذیرد عملی را مستقیما انجام دهد، وکالت در آن درست است. (اما باید بگوید: صحیح نیست) (مسئله ۹ وکالت)